

بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری

دکتر ماه منیر حقیقی^۱، دکتر رحیم خلیل زاده^{۲*}

تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۰۸/۱۹

چکیده

پیش زمینه و هدف: یکی از عوامل موثر بر سلامت روانی رفتاری کودکان، سبک فرزند پروری والدین می‌باشد. چندین عامل بر سبک‌های فرزند پروری تأثیر می‌گذارد مانند فرهنگ، عوامل اجتماعی اقتصادی، و رضایت زناشویی. در این مطالعه ما به بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری پرداخته‌ایم. **مواد و روش کار:** در این مطالعه همبستگی، ۹۰ نفر از مادران در مهد کودک‌های شهر تهران، پرسش‌نامه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی را تکمیل نمودند و اطلاعات با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج این مطالعه نشان داد بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری مستبدانه رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد ولی بین سبک اقتدار منطقی و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار یافت نشد ($p < 0/09$). **بحث و نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه با فرضیه‌های بازتابی و جبرانی همسو می‌باشد. از یک سو ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری وجود دارد (فرضیه بازتابی) و از سوی دیگر رضایت زناشویی پایین به صورت جبرانی منجر به سبک فرزند پروری مثبت می‌شود. **کلید واژه‌ها:** رضایت زناشویی، روابط زناشویی، سبک‌های فرزند پروری

دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره دهم، شماره اول، پی در پی ۳۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۲۶-۲۱

آدرس مکاتبه: ارومیه، بیمارستان روان پزشکی رازی، تلفن: ۰۹۱۴۱۴۱۱۴۲۸

Email: r.kh_1341@yahoo.com

مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری ابعاد شخصیتی، الگوهای رفتاری و سلامت روان فرزندان، فضای خانواده و نوع ارتباط والدین با فرزندان می‌باشد. هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیرکلامی و کلامی والدین که ماهیت تعاملات والد - کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند تحت عنوان "سبک فرزند پروری" شناخته می‌شود (۱). اکثر محققانی که فرزند پروری را توصیف کرده‌اند به مفهوم

"سبک‌های فرزند پروری دایانا بامریند" تکیه کرده‌اند. بامریند بر اساس تحقیقات خود سبک‌های تربیتی والدین را به سه دسته تقسیم کرده است:

(۱) مستبدانه (صمیمیت اندک همراه با کنترل و انضباط سخت‌گیرانه)

(۲) اقتدار - منطقی (صمیمیت و محبت در عین اعمال کنترل)

(۳) سهل‌گیرانه (رابطه گرم و صمیمی بدون کنترل و نظارت بر رفتار کودکان) (۲)

^۱ روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

^۲ روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (نویسنده مسئول)

۱- خصوصیات کودکان: خصوصیات شخصیتی، خلق و خوی کودک و توانایی‌های شناختی او

۲- خصوصیات والدین: خصوصیات شخصیتی، انتظارات آنان، اعتقادات و شناخت آن‌ها در مورد انگیزه‌ها و توانایی‌ها و طبیعت کودکان، فرهنگ و تجربیات اجتماعی

۳- زمینه اجتماعی که روابط والدین و فرزندان در آن جای می‌گیرد. (رابطه زناشویی، شبکه‌های اجتماعی، تجارب شغلی والدین) (۱۰،۱۱)

مطالعات متعددی به بررسی تأثیر روابط زناشویی بر رشد و تحول (۱۳) و جنبه‌های مختلف مسائل روانی رفتاری کودکان و نوجوانان مانند مشکلات رفتاری زودرس (۱۳)، رفتارهای پرخاشگرانه (۱۴)، روابط با همسالان (۱۵)، انطباق عاطفی اجتماعی و موفقیت تحصیلی (۱۶) پرداخته‌اند.

لیکن در مورد ارتباط بین روابط زناشویی و سبک فرزند پروری (با روابط والد - فرزند) مطالعات کمتری انجام شده و در مطالعات انجام شده نیز نتایج متفاوتی بدست آمده است.

از لحاظ تئوری حداقل دو فرضیه در مورد ارتباط بین روابط زناشویی و سبک فرزند پروری وجود دارد: فرضیه بازتابی^۱ و فرضیه جبرانی^۲ (۱۷) طبق فرضیه بازتابی کیفیت مثبت یا منفی روابط زناشویی در سبک فرزند پروری منعکس می‌شود (۱۸،۱۹)

به عبارت دیگر اختلاف زناشویی می‌تواند منجر به اعمال کنترل و رفتار خشن نسبت به فرزندان شود و در مقابل انتظار می‌رود روابط زناشویی توأم با محبت و تفاهم با صمیمیت و آزادی بیشتری در سبک فرزند پروری همراه باشند. (۱۷)

چند مطالعه با این فرضیه همسو است: در یک مطالعه ارتباط قوی بین اختلاف در روابط بین والدین و سبک فرزند پروری ضعیف (۱۹) و در مطالعه دیگری ارتباط منفی قوی بین اختلاف

مطالعات و پژوهش‌های متعدد حاکی از نقش تعیین کننده و تأثیرات زودرس و دیررس سبک‌های فرزند پروری بر ابعاد مختلف سلامت روانی - رفتاری فرزندان در تمام طول زندگی‌شان می‌باشد: در اختلال سلوک که یکی از اختلالات مهم روان‌پزشکی در کودکان با شیوع حدود ۱۰-۱۵ درصد کل جمعیت می‌باشد سبک تربیتی تنبیهی و خشن با بروز رفتار پرخاشگرانه و غیر انطباقی در کودک ارتباط دارد (۳) و در یک مطالعه مشخص شده شدت علائم اختلال سلوک با سبک فرزند پروری اقتدار منطقی رابطه معنی‌دار و منفی و با سبک فرزند پروری استبدادی رابطه معنی‌دار و مثبت دارد (۴).

در مطالعه دیگری ارتباط معنی‌دار بین سبک‌های فرزند پروری محدود کننده (مانند سبک مستبدانه) و شیوع اختلالات روانی مشاهده شده است (۵).

در یک مطالعه مشخص شد مادران کودکان سالم بیش از مادران کودکان دارای اختلال افسردگی به داشتن الگوی تربیتی اقتدار منطقی گرایش دارند و مادران کودکان دارای اختلال افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری عملی بیش از مادران کودکان سالم از شیوه‌های فرزند پروری مستبدانه استفاده می‌کنند (۶).

در مطالعه گرینینگ و همکاران بین سبک فرزند پروری و رفتارهای خودکشی کودکان ارتباط مشاهده شده است (۷).

سبک فرزند پروری بر سوء مصرف الکل و سیگار، موفقیت تحصیلی و انطباق اجتماعی روانی نیز تأثیر قابل توجهی دارد (۸،۹).

از مجموع مطالعات چنین به نظر می‌رسد که سبک اقتدار منطقی مناسب‌ترین روش فرزند پروری است و به شکل‌گیری رفتارها و خصوصیات سالم‌تر در فرزندان منجر می‌شود (۲).

سبک‌های فرزند پروری تحت تأثیر عوامل متعددی است که این عوامل در سه مقوله عمده می‌گنجد:

¹ Spillover Hypotheses

² Compensatory Hypotheses

پرسش‌نامه رضایت زناشویی که در این مطالعه استفاده شده شامل ۴۷ سوال است که جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی را می‌سنجد و آزمودنی به هر سوال بر اساس یک مقیاس پنج درجه‌ای پاسخ می‌دهد.

داشتن نمرات بالاتر در این پرسش‌نامه نشانگر رضایت زناشویی بالاتر می‌باشد. روایی و اعتبار این پرسش‌نامه توسط علی اکبر سلیمانیان بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. این پرسش‌نامه در ایران استاندارد شده و میانگین نمرات بدست آمده ۵۰ و انحراف معیار آن ۱۰ می‌باشد.

پرسش‌نامه فرزند پروری بر اساس نظریه بامریند در مورد سبک‌های فرزند پروری تهیه شده است و شامل ۳۰ ماده می‌باشد. ۱۰ ماده آن به شیوه اقتدار منطقی، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده نیز به شیوه آزادگذار مربوط می‌باشد. ماده‌های این پرسش‌نامه به شیوه لیکرت نمره گذاری می‌شود. پایایی باز آزمایی این پرسش‌نامه توسط اسفندیاری برای سبک اقتدار منطقی ۷۳ درصد، سبک استبدادی ۷۷ درصد و سبک آزادگذار ۶۹ درصد گزارش شده است.

در روابط بین والدین و سبک فرزند پروری مثبت نشان داده شد (۲۰).

در مقابل، بر اساس فرضیه جبرانی، اختلاف زناشویی منجر به سبک فرزند پروری بهتر به صورت جبرانی می‌شود (۱۸).

به عبارت دیگر والدین سعی می‌کنند با ایجاد روابط عاطفی قوی با فرزندان‌شان از اختلافات بین خود اجتناب نمایند (۱۷).

چند مطالعه با این فرضیه هم‌خوانی دارد: به عنوان نمونه در یک مطالعه نشان داده شد مادرانی که با همسران خود اختلاف دارند جهت رفع نیازهای عاطفی خود با فرزندان‌شان بیش از حد حمایت‌گرا نه رفتار می‌کنند (۱۸).

در مجموع با توجه به اهمیت سبک‌های فرزند پروری به ویژه در سال‌های اولیه زندگی و تأثیر آن در سلامت روانی و رفتاری افراد، بررسی عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به یکی از این عوامل یعنی رضایت زناشویی پرداخته و رابطه آن را با سبک فرزند پروری در مادران کودکان پیش دبستانی در سه مهد کودک شهر تهران بررسی می‌کند.

مواد و روش‌ها

این مطالعه همبستگی در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. جهت انتخاب نمونه، ابتدا از مناطق مختلف شهر تهران به طور تصادفی سه منطقه جنوب غربی، جنوب شرقی و غرب انتخاب شدند. سپس با همکاری مسئول مهدکودک‌های شهر تهران از هر یک از این سه منطقه یک مهدکودک به طور تصادفی انتخاب شد.

۱۰۰ نفر از مادرانی که مایل به همکاری بودند پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ و پرسش‌نامه فرزند پروری بامریند را تکمیل نمودند، (۲۸ نفر از مهد شماره یک، ۳۴ نفر از مهد شماره دو و ۳۸ نفر از مهد شماره سه). ۱۰ نفر از مادرانی که پرسش‌نامه‌ها را به طور کامل پر نکرده بودند از مطالعه خارج شدند.

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی متغیرهای مطالعه در جداول شماره ۱ و ۲ آورده شده است.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی میزان رضایت زناشویی

میزان رضایت زناشویی	فراوانی	درصد فراوانی
رضایت زناشویی بسیار زیاد	۰	۰
رضایت زناشویی زیاد	۲۱	۲۳/۳۳
رضایت زناشویی نسبی و متوسط	۵۵	۶۱/۱۱
عدم رضایت زناشویی	۷	۷/۷۷
نارضایتی شدید	۷	۷/۷۷

مادران مورد مطالعه

همان گونه که در جدول شماره (۱) نشان داده ۲۳/۳۳ درصد نسبی و متوسط، ۷/۷۷ درصد عدم رضایت و ۷/۷۷ درصد ناراضی آزمودنی‌ها رضایت زناشویی بالا، ۶۱/۱۱ درصد رضایت زناشویی شدید از زندگی زناشویی داشتند.

جدول شماره (۲): میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری در مادران مورد مطالعه

رضایت زناشویی			شیوه اقتدار منطقی			شیوه استبدادی			شیوه آزادگذار		
sd	M	N	sd	M	N	sd	M	N	sd	M	N
۱۱/۰۰۳	۵۱/۰۱	۹۰	۴/۶۸	۳۱/۷۰	۹۰	۵/۱۴۴	۱۱/۸۲	۹۰	۴/۹۶	۱۴/۶۶	۹۰

با مشاهده جدول شماره (۲) مشخص می‌شود میانگین نمرات آزمودنی‌ها در سبک فرزند پروری اقتدار منطقی به طور برجسته‌ای بالاتر و به نظر می‌رسد که شیوه غالب مورد استفاده توسط مادران در این مطالعه شیوه اقتدار منطقی بوده است.

جدول شماره (۳): ضرایب همبستگی بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری

متغیرها	شیوه اقتدار منطقی	شیوه استبدادی	شیوه آزادگذار
رضایت زناشویی	۰/۴۰	-۰/۱۸۰ ×	-۰/۰۲۹

$$p < ۰/۰۹ \times$$

فرضیه بازتابی^۱ و فرضیه جبرانی^۲

در این مطالعه، یافته فوق با فرضیه spillover همسو است. طبق این فرضیه، کیفیت مثبت یا منفی روابط زناشویی در فرزند پروری منعکس می‌شود (۱۸،۱۹). چند مطالعه با این فرضیه موافق است: ارل و بورمن، در یک متاآنالیز ارتباط قوی بین اختلاف در روابط والدین و سبک فرزند پروری ضعیف را نشان دادند (۱۹). در متاآنالیز دیگری کریشنا کومار و بوهرلر ارتباط منفی قوی بین اختلاف در روابط بین والدین و سبک فرزند پروری مثبت را گزارش کردند (۲۰).

در یک مطالعه نیز رابطه بین اختلاف زناشویی و رفتارهای تربیتی منفی از طرف پدر مشاهده شد (۲۱).

در مطالعه حاضر بین رضایت زناشویی و شیوه اقتدار منطقی ارتباط معنی‌دار مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان به فرضیه جبرانی استناد نمود، که بر اساس آن، علاوه بر رضایت زناشویی (کسب نمرات بالا در پرسش‌نامه) اختلاف زناشویی (کسب

به منظور بررسی رابطه بین نمرات رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد. که نتایج آن در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. همان گونه که در جدول مشخص شده در سطح $p < ۰/۰۵$ رابطه معنی‌دار بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری مشاهده نمی‌شود ولی در سطح $p < ۰/۰۹$ رابطه معکوس معنی‌دار بین رضایت زناشویی و شیوه استبدادی مشهود است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد بین رضایت زناشویی و شیوه استبدادی در فرزند پروری، در سطح $p < ۰/۰۹$ رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد ولی در سطح $p < ۰/۰۵$ رابطه معنی‌دار نبود. همان گونه که اشاره شد در مورد ارتباط سبک فرزند پروری و روابط زناشویی دو فرضیه مطرح شده است:

^۱ Spillover Hypotheses

^۲ Compensatory Hypotheses

بالتر خلاقیت و استقلال فرزندان برایشان اهمیت بیشتری دارد لذا در رفتار با فرزندان خود پذیراترند، رفتار گرم‌تری دارند و برای مقرراتی که وضع می‌کنند بیشتر استدلال می‌آورند (۱۰).

به نظر می‌رسد از بین عوامل موثر بر سبک فرزند پروری بعضی عوامل قدرت اثر بیشتری داشته و می‌تواند تأثیر سایر عوامل را تحت‌الشعاع قرار دهد که پژوهش‌های گزارش شده‌ای در این مورد یافت نشد و پیشنهاد می‌شود مطالعات دیگری در رابطه با نقش سایر عوامل تأثیرگذار بر سبک‌های فرزند پروری انجام شود.

از محدودیت‌های این مطالعه کم بودن حجم نمونه و استفاده از ابزار خود گزارش ده جهت بررسی متغیرهای مطالعه بود که پیشنهاد می‌شود جهت افزایش قدرت تعمیم پذیری، مطالعاتی با حجم نمونه بزرگ‌تر و با مشاهده رفتارهای تربیتی والدین در تعامل با فرزندان خود جهت تعیین سبک فرزند پروری انجام شود چون گاهی بین آنچه والدین در رفتار با فرزند خود بدان اعتقاد داشته و اظهار می‌دارند با شیوه‌ای که در عمل بکار می‌برند تفاوت آشکاری وجود دارند.

با توجه به اینکه این مطالعه محدود به سه منطقه شهر تهران می‌باشد توصیه می‌شود در مناطق دیگر تهران و همچنین شهرهای دیگر نیز انجام شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به تفاوت‌هایی که بین مادران و پدران در مورد تأثیر رضایتشان از روابط زناشویی بر سبک فرزند پروری گزارش شده (۲۱،۲۲) مطالعه مشابهی نیز بر روی پدران انجام شود.

نمرات پایین در پرسش‌نامه) نیز منجر به فرزند پروری مثبت به صورت جبرانی می‌شود (۱۸،۱۹).

چند مطالعه نیز با این فرضیه هم‌خوانی دارد: انگفر نشان داد مادرانی که با همسران خود اختلاف دارند به فرزندان خود به عنوان یک منبع دل‌بستگی و محبت توجه نموده و جهت رفع نیازهای عاطفی خود با فرزندان بیش از حد حمایت‌گرانه رفتار می‌کنند (۱۸).

در مطالعه بودی و همکاران نیز مادرانی با روابط زناشویی ناسازگارانه در مقایسه با همسران خود یا مادرانی که روابط زناشویی دوستانه‌ای داشتند، ارتباط و مشارکت بیشتری با فرزندان خود داشتند (۲۲) شاید این دسته از مادران به این ترتیب می‌خواستند ازدواج ناموفق خود را جبران نموده و بیشتر به فرزند خود نزدیک شوند یا شاید می‌خواستند بهتر از همسران خود از فرزندشان مراقبت کنند (۱۰).

نکته قابل توجه دیگر آن که سبک‌های فرزند پروری تحت تأثیر عوامل متعددی است که این عوامل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، از جمله عوامل تأثیرگذار فرهنگ و طبقه اجتماعی - اقتصادی می‌باشد که می‌تواند تأثیر عوامل دیگر مانند رضایت زناشویی را تحت‌الشعاع قرار دهد. به عنوان مثال اطاعت از مراجع قدرت و احترام به آنان در میان اعضای طبقه کارگر، به طور سنتی ارزش بسیاری دارد. در نتیجه والدین این طبقه معمولاً فرزندان خود را تحت کنترل دارند، اقتدارگرا و مستبدند و بندرت عقاید فرزندان خود را در نظر می‌گیرند. برعکس والدین طبقه متوسط و

References:

1. Slicker EK, Picklesimer BK, Guzak AK, Fuller DK. The Relationship of parenting style to older adolescent life-skills development in the United States. *Young* 2005; 13(3): 227-45.
2. Berk LE. *Development through the lifespan*. 5th Ed. Boston, MA : Pearson/Allyn and Bacon; 2009.
3. Sadock BJ, Sadock VA. *Synopsis of psychiatry*. 10th Ed Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2007. P.1221.
4. Agh A, Kakhornia M, Mehrabadi S, Mokhtari N, Rostami K. The Relationship between parenting styles and severity of conduct disorder's symptom in children. *Contemp Psychol* 2011; 5: 13. (Persian)

5. Molavi P. Survey on parenting styles of mental disorder patients' coming to clinic of Fatemi Psychiatric Hospital in Ardebil. *Ardebil Univ Med Sci J* 1999;2; 56.
6. Farzigoifazani M. The comparison of mothers parenting styles of children by depressive, anxiety, obsessive compulsive disorder with mothers of normal children. *J Res Excep Children* 2003; 3: 4. (Persian)
7. Greening L, Stoppelbein L, Luebbe A. The Moderating effects of parenting styles on African - American and Caucasian children's suicidal behaviors. *J Youth Adolesc* 2010; 39(4): 357-69.
8. Laura H, Weiss J, Schwarz C. The Relationship between parenting types and older Adolescents' personality. Academic achievement, adjustment, and substance use. *Child Dev* 1996; 67(6); 2101-14.
9. Newman K, Harrison L, Dashiff C, Davies S. Relationships between parenting styles and Risk behaviors in adolescent health: an integrative literature review. *Rev Lat Am Enfermagem* 2008; 16(1): 142-50.
10. Mussen PH. *Child development and personality*. New York and Evanston: Harper & Row; 2003.
11. Belsky J. The determinants of parenting: a process model. *Child Dev* 1984; 55:83-96.
12. Goldberg Wendy A, Easterbrook M. Role of marital quality in toddler development. *Dev Psychol* 1984; 20(3): 504-14.
13. Webster C, Hammond M. Marital conflict management skills, parenting styles and early-onset conduct problems: processes and pathways. *J Child Psychol Psychiat* 1999; 40(6): 917-27.
14. Hart CH, Nelson DA, Robinson CC, Olsen S, Choque M, Kay M. Overt and relational aggression in Russian nursery-school-age children: parenting styles and marital linkages. *Dev Psychol* 1998; 34(4): 687-97.
15. Gottman JM, Katz LF. Effects of marital discord on young children's peer interaction and health. *Dev Psychol* 1989; 25(3): 373-81.
16. Feldman SS, Wentzel KR, Weinberger DA, Munson JA. Marital satisfaction of parents of preadolescent boys and its relationship to family and child functioning. *J Fam Psychol* 1990; 4(2):213-4.
17. Jeong JY, Wendy CG. Pathways of influence: marital relationship and their association with parenting styles and sibling relationship quality. *J Child Fam Stud* 2008; 17:757-78.
18. Engfer A. *The interrelatedness of marriage and the mother-child relationships*. Oxford: Oxford University Press; 1988. P. 104-18.
19. Erel O, Burman B. Interrelatedness of marital relations and parent-child relations: a meta-analytic review. *Psychol Bulletin* 1995; 108-32.
20. Krishnakumar A, Buehler C. Interparental conflict and parenting behavior: a meta-analytic review. *Fam Relat* 2000; 49: 25-44.
21. Kiristin M, Lindhal M. Observations of marital conflict and power: relation with parenting in the Triad. *J Marriage Fam* 1999; 51(2): 320-30.
22. Boody CH, Pellegrini AD, Sigel IE. Marital quality and mother-child and father-child interactions with school-aged children. *Dev Psychol* 1986; 22:269-91.